

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۷۲

جمعه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۱۳ می ۲۰۲۲



۲۲ اردیبهشت: معلمان در شهرهای  
متعددی تجمع و اعتراض کردند  
معلم زندانی آزاد باید گردد

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۱۲ مه ۲۰۲۲

از ساعت ده صبح امروز ۲۲ اردیبهشت بار دیگر تجمعات اعتراضی معلمان در

صفحه ۲

راه کدام است، شورش های خیابانی یا اعتراضات اجتماعی؟

حمید تقوایی

ادامه در صفحه ۳

ریشه گرانی نجومی، مافیای حاکم است

حزب کمونیست کارگری ایران  
اردیبهشت ۱۴۰۱، ۱۲ مه ۲۰۲۲

ادامه از صفحه ۵

یک روز شورانگیز دیگر از اعتراضات معلمان

شهلا دانشفر

ادامه از صفحه ۶

همبستگی! نقطه قدرت ما

سیاوش مدرسی

ادامه در صفحه ۸

پوزه جمهوری اسلامی را باید به خاک مالید

کاظم نیکخواه

ادامه در صفحه ۹

شنبه ۱۴ مه (۲۴ اردیبهشت) روز جهانی نجات  
احمدرضا جلالی

گردهمایی های اعتراضی در ۴ کشور و در ۱۱ شهر

ادامه در صفحه ۱۲

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری ایران و کمیته کردستان

ادامه در صفحه ۱۳

کمپین مالی حزب با موفقیت انجام شد  
از تک تک شما متشکریم  
تلاش ما برای جمع آوری کمک ادامه دارد

لیست شماره ۴ کمپین ۱۰۰ هزار دلاری برای تامین  
مالی حزب و کاتال جدید

صفحه ۱۵

گرانی نان!  
علت سیاسی است و راه حل هم  
سیاسی است!

محسن ابراهیمی

اقتصاد - اعلام میکند فقط  
مرغ و تخم مرغ و روغن و  
لبنیات گران خواهد شد!

حق دارند نگران شوند.  
چطور میتوان نان مردم،  
این آخرین قلم برای زنده  
ماندن را از سفره مردم  
محروم دزدید و نگران هم  
نشد. نگرانند و دارند خود را  
برای آن اتفاقی آماده میکنند  
که به همدیگر در باره اش  
هشدار میدهند: "شورش  
گرسنگان!"

توجیهاتی سرشار از  
دروغ و رذالت و راسیسم!

اگر گرانی نان خشم مردم  
را برانگیخته است،  
توجیهات و تبلیغات  
حکومتها در باره علت  
گرانی به طریق اولی مزجر  
کننده و خشم بر انگیز  
است. بر اساس تبلیغات  
وقیحانه و مسخره رسانه  
های حکومتی متعلق به  
چناحهای مختلف، نان  
گران شده است چون  
روسیه و اوکراین وارد جنگ  
شده اند؛ چون برای مقابله  
با رانتخواری و فساد و  
قاچاق آرد و گندم ارز  
ترجیحی باید حذف میشد؛  
چون ۱۰ میلیون مهاجر  
(منظور حتما پناهجویان  
افغانستانی است) با رژیم  
غذایی "نان پایه" زندگی  
میکند و مصرف نان دولتی  
آنها بیشتر از مصرف  
"خودمان" است؛ چون

ادامه در صفحه ۴

گرانی نان، یورش به  
بقای فیزیکی مردم!

آیت الله فاطمی که با  
عنوان "سید محرومان"  
رئیس جمهرش کردند،  
اعلام کرده بود بزودی فقر  
مطلق را ریشه کن خواهد  
کرد. با گران کردن نان، او به  
جای ریشه کن کردن فقر،  
به ریشه فقرا یورش برد.  
گران کردن نان یورش به  
آخرین قلم سفره اکثریت  
محروم جامعه، یورش به  
بقای فیزیکی کارگران و  
اکثریت وسیع جامعه است.  
نان را گران میکنند اما  
نمیتوانند گرانی خود را  
پنهان کنند. در باره خطر  
"شورش گرسنگان" به  
همدیگر هشدار میدهند.

نماینده مجلس از نفرین  
ملت یاد میکند. "مرجع  
عالمقدسی" که خود یک  
بارچه سمبل بلاهت است  
گلایه میکند که "ثروت  
مملکت را به دست  
سفیهان ندهید. ... اگر  
سفیه، ستون فقرات یک  
ملت را به دست گیرد این  
ستون می شکند و ملت را  
زمین گیر می کند...".  
رئیس  
جمهور مجبور میشود  
جلوی دوربینها ظاهر شود  
تا به "مردم عزیزمان"  
اطمینان دهد که نگران  
نباشند، اقلام دیگر گران  
نخواهد شد و با یک روز  
فاصله وزیر کشور - دقت  
کنید وزیر کشور نه وزیر

## ادامه از صفحه ۱

شهرهای متعددی برپا شد. معلمان در گروههای بزرگی جمع شدند، سخنرانی کردند، شعار دادند و به سرکوبگرها و بی حقوقیها اعتراض خود را بیان کردند. این تجمعات به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در اعتراض به ادامه بازداشتها و تشدید سرکوبگریها و سخنان یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش و تهدید معلمان معترض به اخراج تهدید و نیز بخاطر عدم پاسخگویی به خواستههایشان، برپا شد. بنا بر گزارشات تا کنونی علیرغم فضای بشدت امنیتی که حکومت در شهرهای مختلف بویژه تهران ایجاد کرده بود، معلمان در شهرهای تهران، اصفهان، مریوان، سنندج، کرمانشاه، شیراز، تبریز، سقز، بیجار، دهگلان، آمل، نورآباد ممسنی، رشت، اهواز، سردشت، اردبیل، شهرضا، کرج، فسا، قزوین، بجنورد، آبدانان، هرسین، اراک، لنگرود، ساری، رضوانشهر، اسلامآباد غرب، زاهدان، همدان، دیواندره، گچساران، بوکان، تاکستان تهران، یاسوج و ... گرد آمدند تا فریاد اعتراض خود را بلند کنند. در تجمعات این روز حضور زنان بسیار چشمگیر بود و عکسها و بزههای معلمان زندانی در دست شرکت کنندگان، اعتراض تجمع کنندگان به دستگیریها و تشدید سرکوبگریها را بیان میکرد. شعار معلم زندانی آزاد باید گردد شعار محوری معلمان معترض در این روز بود و در همه جا طنین اندخته بود.

در تهران از اول صبح در این روز نیروهای امنیتی و لباس شخصی و انتظامی در خیابان بهارستان مستقر شده بودند تا مانع تجمع شوند. جلوی مترو نیز ونهای نیروهای امنیتی

مستقر شده بودند. معلمان برای حضور در تجمع در حال گرد آمدن بودند، اما نیروهای انتظامی اجازه تجمع به آنان را نمیدادند. مسعود فرهیخته و لطف الله جمشیدی از معلمان دستگیر شده امروز در تجمع تهران در مقابل مجلس هستند.

در سنندج جمعیت قابل توجهی در تجمع مقابل آموزش و پرورش حضور داشتند و با پخش سرود "مرغ سحر ناله سر کن" شور مبارزه و اعتراض را بازتاب میدادند. عکسهایی از معلمان زندانی، بزنی با نوشته "ما خواهان آموزش زبان مادری به صورت رسمی در مدارس هستیم"، "تحصیل رایگان برای کودکان"، "احکام ظالمانه علیه معلمان باید لغو گردد"، از جمله بزههای قابل توجه در این گردهمای اعتراضی بود. قرائت اسامی معلمان زندانی و کف زدن جمعیت برای آنها، صحنه شورانگیزی از همبستگی و اتحاد را نشان میداد. در مریوان جمعیت بزرگی از معلمان شرکت داشتند و حضور زنان برجسته بود. در این تجمع یکی از معلمان قطعنامه شورای هماهنگی را قرائت کرد و جمعیت با کف زدن بر خواستههای اعلام شده در قطعنامه تاکید گذشت.

در شیراز جمع زیادی از معلمان حضور داشتند و شکرالله احدی عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان فارس سخنرانی کرد. او در سخنانش بر حقوق قانونی شهروندان برای ایجاد تشکل، برپایی تجمع و تحصیل رایگان برای کودکان تاکید کرد. سپس با گفتن اینکه سلاح ما قلم است وبا شعار "با اهل قلم هرکه در افتاد و افتاد" به سخنانش ادامه داد و جمعیت با تکرار این شعار او را همراهی کرد. سپس بر آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی خصوصا معلمانی که در یازده

اردیبهشت روز جهانی کارگر بازداشت شدند و اسماعیل عبدی که در اعتراض به تشدید فشارها بر روی معلمان در اعتصاب است و وضعیت جسمی خوبی ندارد اشاره کرد و فریاد جای معلم زندان نیست سر داد و جمعیت در همراهی با او شعار معلم زندانی آزاد باید گردد، جای معلم زندان نیست را سر دادند. شعارهای دیگر معلمان در این تجمع عبارت بودند از "روسیه را رها کن فکری به حال ما کن"، "اجرای همسانسازی بدون حقه بازی"، "ننگ ما ننگ صدا و سیما ما"، "ننگ ما ننگ ما وزیر الدنگ ما".

در یاسوج با استقرار نیروهای امنیتی در مقابل اداره کل آموزش و پرورش اجازه تجمع به معلمان ندادند و بنا بر گزارشات بیش از ۵۰ نفر از آنها بازداشت شده اند. که اسامی آنها هنوز روشن نیست. در نورآباد ممسنی معلمان با شعارهایی چون معلمان زندانی آزاد باید گردند، تحصیل رایگان حق شماست امروز، آموزش و پرورش رو به فناست امروز، هوار هوار امروز سکوت جفاست امروز، خواستهها و اعتراض خود را فریاد زدند. در اهواز مریم شیرمردی یک از معلمان سخنران تجمع بود و در سخنان خود ضمن اشاره به خواستههای فوری معلمان اعتراض خود را به دستگیریها اعلام داشت. سپس جمعیت شعارهایی چون معلم زندانی آزاد باید گردد، معلم می میرد، ذلت نمی پذیرد را سر دادند. در این تجمع یکی از معلمان به اسم سیامک چهارازی بازداشت شد.

در رشت معلمان شعار میدادند: "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "آموزش رایگان حق فرزندان ایران" و "وزیر بی کفایت استعفاء، استعفاء". در این تجمع

حضور دانش آموزی با بنر معلم عزیزم من هم کنارت هستم شور و شوقی در جمعیت ایجاد کرد و این شعار با کف زدن در جمع سر داده شد. در اصفهان جو بسیار امنیتی بود. بعد از ظهر روز قبل عمادی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان اصفهان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و پس از ضبط وسائل ارتباطی وی، پیامهای سراسر کذب در خصوص اتمام مجوز کانون اصفهان به توسط گوشی و اکانت او به گروههای تلگرامی ارسال شده بود. اما کانون صنفی معلمان اصفهان ضمن محکوم کردن این حرکت بر قانونی بودن تشکل و فراخوان تجمع تاکید کرد. علیرغم همه این تشبثات معلمان برای تجمع به محل آمدند. اما نیروی انتظامی که از قبل در محل مستقر بودند با برپایی تجمع مقابله کرده و معلمان را پراکنده کردند. بدین ترتیب معلمان با پیگیری تجمع و حضور در محل پیام اعتراضی خود را سر دادند.

در کرج یکی از معلمان زن طی سخنانی از اینکه اگر به ما جواب ندهند مدارس را تعطیل میکنیم اخطار میدهد و سخنان او با کف زدن جمعیت همراه میشود. در قزوین معلمان با شعارهای "ننگ ما ننگ ما وزیر الدنگ ما"، "ننگ ما ننگ ما دولت الدنگ ما" خشم خود را فریاد زدند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان همانند همیشه قطعنامه تجمع سراسری روز ۲۲ اردیبهشت را منتشر کرده بود و در آن موضوع اعتراض تجمعات این روز اعلام شده بود. در این قطعنامه با محکوم کردن اقدامات توأم با خشونت علیه معلمان توسط حکومت، بر خواستههای فوری معلمان تاکید شده است. اهم خواستههای

اعلام شده معلمان در این قطعنامه عبارتند از: آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی، پایان دادن به برخوردهای توأم با خشونت با فرهنگیان و اتمام پرونده سازیها و احضارها و تهدیدات امنیتی، آزادی فوری همه معلمانی که در هفته گذشته در شهرهای تهران، بوشهر، مریوان و سایر نقاط کشور بازداشت شده اند، رسیدگی فوری به خواسته های اسماعیل عبدی معلمی که در هفتمین سال زندان و علی رغم بیماریهای مختلف در دوازدهمین روز اعتصاب غذاست، اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری، اجرای درست رتبه بندی و همسان سازی حقوق بازنشستگان.

اسامی معلمانی که طی روزهای ده و یازده اردیبهشت در مناسبت روز جهانی کارگر بازداشت شده و هنوز در زندانند عبارتند از: رسول بدایق، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی و علی اکبر باغانی از تهران، محسن عمرانی، محمود ملاکی، رضا امانی فر و اصغر حاجب از بوشهر، اسکندر لطفی از مریوان، هادی صادق زاده از مشهد، شعبان محمدی از مریوان نیز روز گذشته بازداشت شد. مسعود فرهیخته، لطف الله جمشیدی و سیامک چهارازی از بازداشت شدگان تجمعات امروز معلمان هستند. تمامی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۱۲ مه ۲۰۲۲

## راه کدام است، شورش های خیابانی یا اعتراضات اجتماعی؟

حمید تقوایی



و ببیندها نمیتوانند آنها را خنثی کنند. خود حکومت میدانند و مردم هم میدانند که جنبشهای اعتراضی جاری ادامه دار هستند. مجموعه این شرایط، یعنی وضعیت کاملا درهم ریخته و مستاصل حکومت و از سوی دیگر سازمانیافتگی و گستردگی مبارزات کارگران و معلمان و بازنشستگان و بخشهای مختلف جامعه، اینها تفاوتهای اساسی است بین شرایط امروز یا شرایط قبل از ۹۸ یا ۹۶.

**حسن صالحی: به دو محور بسیار مهم در صحبت هایتان اشاره کردید. در مورد وضعیت ناپسامان حکومت دوستی به من میگفت جمهوری اسلامی به موقعیتی رسیده است که حتی با خودش هم نمیتواند کنار بیاید چه برسد با مردم! جنبشهای اعتراضی سازمانیافته و سراسری هم یک واقعیت است. اما در هر حال انفجارهای اجتماعی از قبل خبر نمیدهد، یعنی معطل کسی نمیشود. وقتی مردم گرسنه هستند به خیابان میریزند، دست به اعتراض میزنند. چه باید کرد؟ این انفجارهای**

**ادامه در صفحه ۱۰**

و در راس آنها گرانی، تورم و در واقع ناتوانی اکثر عظیم مردم ایران از تامین معیشت و از سیر کردن شکم خود و خانواده شان. از سوی دیگر وقتی به جامعه نگاه میکنید می بینید که دیگر قضیه فقط اعتراضات موردی یا فورانی یا انفجاری نیست. ما در این چند سال اخیر جنبش های اعتراضی کاملا سازمان یافته و سراسری داشتیم مثل جنبش کارگران نفت، مثل جنبش معلمان، بازنشستگان، جنبش خانواده های دادخواه و غیره. اینها بسیار متعین تر از گذشته، با چهره های معین، با نهادهای رهبری در یک سطح سراسری به میدان آمده اند. الان می بینید که جنبش معلمان چه نقش کلیدی ایفا میکند. در اول ماه مه و در روزهای بعد از اول ماه مه شاهد فراخوانهای معلمان بودیم، و همچنین حمایت کارگران از این فراخوانها. میخوایم بگویم که اعتراض در جامعه، نیروی اعتراضی در جامعه، به خودش شکل داده است، سازمانیافته تر شده است، گسترده تر شده و رهبری معینی پیدا کرده است. نهادهای معینی در این جنبش ها فعالند که با بگیر

همین اصولگرایان متحد رئیس-ی. اختلافات تندی شروع شد. الان چهره های شاخصی- از درون جناح اصولگرا خواهان استعفای رئیس-ی. هستند. از مراجع تقلید او را سفیهی مینامند که جامعه را به نابودی میرد و باید کنار برود. میگویند که دیگر انداختن همه تقصیرها به گردن دولت روحانی جواب نمیدهد. قبل از انتخابات خودشان جزو همین کمپین بودند اما الان میگویند این جواب نیست. این مخالفتهای تند و آشکار با رئیس-ی. از جانب حزب الهی ها و از درون بسیج بیان میشود. رئیس مجلس شان، مجلس یکدست اصولگرا که یکنفر شبه دوازدادی را هم به آن راه نداده اند، علنا در مقابل رئیس-ی. قرار گرفته است. خوب اینها دیگر اختلافات جناحی نیست. اینها بنظر من لرزه های مرگ یک حکومت رو بسقوط است. درگیری های درون حکومتی به این سطح رسیده است و علت روشن است. علت اینست که مسائل مزمینی که همیشه در جمهوری اسلامی وجود داشته در این دوره اخیر دهها برابر تشدید شده، و خیمتر شده و گسترده تر شده. از جمله

### حسن صالحی:

احتمال شورش های خیابانی و اعتراضات اجتماعی صحبت کردید. همانطور که اشاره کردید این اعتراضات قبلا هم در سال ۹۶ و ۹۸ اتفاق افتاده بود. این شورشها مدت چند هفته ادامه پیدا کردند و سرکوب شدند. تفاوت این انفجاری که الان در شرف وقوع است با انفجارهای اجتماعی پیش از خودش چه میتواند باشد؟

### حمید تقوایی:

دیدن و توضیح این تفاوتها توجه به دو فاکتور مهم است: یکی موقعیت خود حکومت است که در دوره رئیس-ی بسیار بهم ریخته تر و آشفته تر از هر دوره است و دوم، که فاکتور مهمتری است، موقعیت جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی مثل جنبش معلمان، بازنشستگان، زنان، جنبش دادخواهی و غیره است.

در مورد اول گرچه همیشه حکومت دعوای درونی داشته و همیشه جناحهای حکومت در کشمکش با یکدیگر بوده اند ولی اینبار مساله با کشمکش های سنتی و همیشگی بین اصلاح طلب و اصولگرا اساسا متفاوت است. حتی خود طرفداران دوازشه رئیس-ی. که قبلا کاملا متحد بودند بطوری که توانستند یک مجلس یکپارچه از جناح اصولگرا تشکیل بدهند و تمام دولت در دست دوازشه ترین اصولگرایان و حزب الهی ها قرار گرفت، صریحا و علنا بجان یکدیگر افتاده اند. سرعت و هنوز چند ماه نگذشته درون

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال

جدید **حسن صالحی:** جامعه در حال اعتراض است. مساله تورم و گرانی بسیار حاد و غیر قابل تحمل شده و در استان خوزستان در شهرهای مختلفی مردم علیه گرانی به میدان آمده اند و دست به اعتراض زده اند. این اعتراضات فکر میکنید که به کجا میرود؟

### حمید تقوایی:

همانطور که خیلی ها حتی مقامات حکومتی، پیش بینی میکنند جامعه در آستانه یک انفجار است. این تورم لجام گسیخته که به آن سونامی گرانی میگویند غیرقابل تحمل است. مساله دیگر فقط گرانی این جنس یا آن جنس و یا خواست اضافه دستمزد در مقابل گرانی نیست. اینها گفتمان ها و مسایلی بود که قبلا مطرح بود. الان با یک شتاب بی سابقه و غیر قابل تصویری دارد قیمت ها بالا میرود و چندین و چند برابر میشود. قیمت مواد غذایی، حبوبات، برنج، ماکارونی، گوشت و میوه جات و غیره بحدی رسیده است که دیگر اکثریت عظیم مردم قدرت خرید اینها را ندارند و طبعا این شرایط قابل دوام نیست. همانطور که گفتید اعتراضات فی الحال در شهرهای مختلف شروع شده است. معمولا در چنین شرایط انفجاری با شورش های خیابانی مثل ۹۸ و ۹۶ روبرو میشویم و الان هم پیش بینی میشود که این اتفاق بیفتد. شرایط موجود به سرعت ما را بطرف اعتراضات گسترده و شورش های مردم در شهرهای مختلف می برد.





## گرانی نان! علت سیاسی است و راه حل هم سیاسی است!

محسن ابراهیمی

### ادامه از صفحه ۱

ضایعات نان زیاد از حد است و باید قیمتها آزاد سازی شوند تا ضایعات کم شود؛ چون سرانه مصرف ماهانه افراد باید حدود ۷ کیلو آرد باشد، در حالیکه ۱۴ کیلو آرد دولتی است!

جنگ اوکراین؟ تجاوز نظامی روسیه به اوکراین دو ماه نیست که شروع شده است. گرانی کمر شکن اما همزاد جمهوری اسلامی است.

مقابله با رانت و فساد و قاچاق؟ همه میدانند که قاچاق را سرداران فاسد و رانتخوار سپاه با کشتی و هواپیما و اسلحه ها و باندهای فرودگاه سازمان میدهند. قاچاقچیان اصلی سلاطین شکر و قند و روغن و گوشت و آهن و هر کالایی که به ذهنشان میرسد است که آیت الله ها و مراجع و سرداران چهره های اصلی و شناخته شده اش هستند.

۱۰ میلیون مهاجر "نان پایه"؟ حتما منظورشان پناهجویان افغانستانی است. همان انسانهایی که در منگنه خونین میان امارت اسلامی سنی و جمهوری اسلامی شیعی جان و روان و روحشان در هم شکسته شده است. همانهایی که اتفاقا بخش بزرگی از ثروت نجومی حکام اسلامی محصول چپال محصول کار و تلاش جانفروسی آنها در سنگینترین و خطرناکترین کارهاست که البته خودشان با نان خالی زندگی میکنند. در خلق انواع نعمات زندگی دخیلند اما به یمن وجود جمهوری

اسلامی "نان پایه" هستند. ضایعات نان؟ این دیگر اوج وقاحت است. مردمی را به اسراف در مصرف نان متهم میکنند که هر روز سفره شان کوچکتر شده است؛ گوشت و میوه و سبزی جزو آرزوهایشان شده است و با دستمزد

هستند، در جمهوری اسلامی کنترل اقتصادی آستان قدس و کنترل اقتصادی شخص ولی فقیه قرار نیست اصولا به کسی حساب پس دهند. اگر در کشورهای سرمایه داری غرب، با یک اختلاس و دزدی هزاران بار کوچکتر

گرانی نان، محصول مستقیم یک اقتصاد دزدسالار، یک کلبتوکراسی تمام عیار، یک اقتصاد رانتی و مافیایی است. اقتصاد که در آن حکومت کنندگان خود شخصا سرمایه دار، قانونگزار، مجری و قاضی

**گرانی نان، محصول مستقیم یک اقتصاد دزدسالار، یک کلبتوکراسی تمام عیار، یک اقتصاد رانتی و مافیایی است. اقتصاد که در آن حکومت کنندگان خود شخصا سرمایه دار، قانونگزار، مجری و قاضی هستند. مجلس و دولت و دستگاه قضایی با هم برای چپاول کل جامعه و علیه کارگران قانون وضع میکنند و اجرا میکنند و سرکوب سازمان میدهند.**

پنج بار زیر خط فقر به زحمت میتوانند حتی نان مورد نیاز کودکانشان را تامین کنند.

**گرانی نان ریشه سیاسی دارد! و راه حلش هم سیاسی است!**

مثل همه جای دنیا در سرمایه داری اسلامی هم گرانی، تورم، رکود توری، بیکاری، دستمزد پایین، بلافاصله پدیده های اقتصادی مربوط به نظم سرمایه دارانه هستند. اما در اقتصاد مافیایی دزدسالار جمهوری اسلامی همه این پدیده های اقتصادی شکل و قالب متفاوتی دارند. اگر در همه جوامع سرمایه داری طبقات حاکم صاحب سرمایه تا میتوانند سطح دستمزد را پایین نگه میارند، در جمهوری اسلامی دستمزد زیر خط فقر مطلق را هم به کارگر نمی پردازند. اگر در نظامهای سرمایه داری غرب، کلان سرمایه داران برای مالیات ندادن و پولشویی دنبال "بهبشتهای مالیاتی"

حداقل پای استعفایی و جریمه ای به میان می آید، در جمهوری اسلامی شخص ولی فقیه برای دزدان و اختلاس گران حرفه ای و حکومتی حاشیه امن درست میکند و حتی ارتقا مقام پیدا میکنند. قالیباف از فساد در شهرداری تهران به ریاست مجلس ارتقا مقام یافت.

گرانی در جمهوری اسلامی را نمیتوان صرفا با ارجاع کلی به سرمایه داری تبیین کرد. گرانی کمر شکن از جمله گرانی نان در جمهوری اسلامی ریشه سیاسی دارد و راه حلش هم سیاسی است.

اقتصاد ایران ورشکسته، از هم پاشیده و غرق بحران است. کل اقتصاد کشور به لاشه ای تبدیل شده است که لاشخورهایی از جنس آیت الله ها و سرداران سپاه و وزرا و وکلای اسلامی و آقازاده هایشان که تصور میکنند ژن برتر دارند بر روی آن چمباتمه زده اند و در حال دریدنش هستند.

هستند. مجلس و دولت و دستگاه قضایی با هم برای چپاول کل جامعه و علیه کارگران قانون وضع میکنند و اجرا میکنند و سرکوب سازمان میدهند.

حکومت اسلامی که خود مسبب این وضعیت است، نه میخواهد و نه میتواند به این اقتصاد غرق بحران و ورشکسته سر و سامان بدهد.

نمیخواهد چون مساله مرکزی این حکومت سر و سامان دادن به اقتصاد حتی در معنای سرمایه داری متعارف هم نیست بلکه بقای سیاسی خودش است. عقب انداختن خطر سرنوینی است. عقب انداختن غرق شدن کشتی ای است که به هزار زیان گفته اند که اگر غرق شود همه با هم غرق خواهند شد.

نمیتواند چون بقای سیاسی اش بر دو رکنی استوار است که پایه های هویتی اش هستند. ایدئولوژی اسلامی و ضدیت با غرب. تصور

حکومت اسلامی این است که اگر این دو رکن را کنار بزند زیر پایش خالی میشود و به این اعتبار باید معیشت و منزلت یک جامعه ۸۵ میلیونی را در پای مقتضیات این دو رکن هویتی ساختی کند.

برای مثال، برجام را در نظر بگیرید. بگذریم از این که حتی اگر توافق برجام نهایی میشد و مثلا میلیاردها دلار از داراییهای بلوکه شده آزاد میشدند و تحریمها هم لغو میشدند، تماما برای سرپا نگه داشتن دستگاه سرکوب در داخل و باندهای تروریستی در خارج صرف میشد و قطعا چیزی برای حل معیشت مردم نمی رسید.

یک لحظه فرض کنیم توافق برجام میتوانست گشایشی در اقتصاد بحران زده بوجود بیاورد. اما همین برجام به فرجام نمیرسد چون حکومت اسلامی نمیتواند از تلاش برای دسترسی به بمب اتم، از فعالیتهای تروریستی اش در منطقه دست بکشد؛

نمیتواند از رجزخوانی علیه آمریکا و اسرائیل و موشک و راکت پراکنی اش دست بردارد. حکومتی که در داخل زیر پایش مدام خالیتر میشود، میخواهد و نیاز دارد در منطقه جا پایش را محکم کند. ضعف در داخل و خطر سرنوینی را با قدرتمند شدن در منطقه جبران کند. و برای قدرتمند شدن در منطقه باید موشک پراکنی کند، خرج حزب الله را تامین کند و بمب و راکت حشد الشعبی را به موقع برساند و میلیاردها دلار به ماشین سرکوب بشار اسد تزریق

## ریشه گرانی نجومی، مافیای حاکم است

گرانی در ایران شوکه آور است. فقر و گرسنگی فزاینده کارد را به استخوان رسانده است. بدون اغراق هر لحظه و هر روز قیمت مایحتاج اولیه زندگی در این کشور به میزان نجومی افزایش می یابد. حتی موادی مثل نان ساده که از دیرباز فقیرانه ترین قوت لایموت خوانده میشدند، امروز برای بخشهای زیادی از مردم بسادگی قابل دسترس نیست.

این وضعیت مطلقاً قابل تحمل و قابل قبول و قابل دوام نیست. ریشه و بانی این شرایط اسفناک و کشنده حاکمیتی است که جز دزدی و مرگ و عقبگرد و سرکوب و زندان چیزی به جامعه ارزانی نداشته است. ریشه این وضعیت سرمایه داری مافیائی و چپاولگر است که جنایتکارترین و انگلترین عناصری را که کسب و کارشان چپاول و دزدی از کار و تولید و ثروتها است، بر جامعه حاکم کرده است.

هر روز ادامه این سیستم و این مافیای سرمایه داری اسلامی، به قیمت جانهای بسیار و گسترش دردهای کشنده و مشقتها بیکران برای کارگران و توده مردم تمام میشود. فریاد معلمان و کارگران و زنان و بازنشستگان و جوانان بلند است. این فریادها را بهم گره بزنیم. دستهایمان را به هم بدهیم و با عزم برپایی جامعه ای برابر و آزاد و انسانی، میلیونی به خیابان بیاییم.

رفاه و زندگی انسانی حق تک تک مردم است. درمان و آموزش رایگان حق همه است. داشتن نان و مسکن مناسب پایه ای ترین حق مردم است. حکومت چپاول و سرکوب و ضد زندگی باید گورش را گم کند.

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه انسانی! زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۱۲ مه ۲۰۲۲

## یک روز شورانگیز دیگر از اعتراضات معلمان

شهلا دانشفر



جلو گام بر میدارد. این جنبش قدرتمند سرنگونی است که چنین شتاب گرفته است و آینده شایسته انسان را فریاد میزند. این شرایط را باید دریافت و بسوی شکل دادن به اتحاد وسیع جنبش های اجتماعی مختلف حول خواسته های سراسری و همبستگی مبارزاتی برای داشتن یک زندگی انسانی گام برداشت. و این بیش از پیش نقش و جایگاه اکتیویستها و رهبران جنبش های مختلف اجتماعی و در راس آن اکتیویست های چپ و رادیکال جامعه را برجسته میکند. بویژه این شرایط بیش از پیش بر نقش و جایگاه تحزب یابی و متحد شدن زیر پرچمی با چشم انداز برپایی جامعه ای بدور از هر گونه تبعیض و نابرابری که در آن انسانیت حرف اول را بزند، تاکید دارد. جامعه ای سوسیالیستی که امروز بطور واقعی دارد هر روز در کف خیابان آنرا فریاد میزند. فراخوان من به پیوستن هر چه گسترده تر به این جنبش و به حزب کمونیست کارگری است که عزم کرده است نیروی عظیم کارگران و مردم را برای خلاصی از شر سیستم چپاول و سرکوب و عقب ماندگی سازماندهی کند.

اختلاسها و دزدی هاست و این صدای اعتراض کل جامعه علیه جهنم حاکم است که چنین رسا در سطح سراسری فریاد زده میشود. از جمله بازتاب آنرا در فریاد خشمگین امروز معلمان در

خروشان که سر ایستادن ندارد. یک شعار محوری تجمعات اعتراضی امروز معلمان شعار معلم زندانی آزاد باید گردد بود و یک صحنه زیبای آن در سنج بود. هنگامیکه اسامی

سخنان مادر یک دانش آموز در تجمع امروز معلمان: معلم داد بزند من هم همراهش هستم. کامیوندار داد بزند منم می آیم. دامدار فریاد بزند من هم می آیم (کف زدن جمعیت). میکروفون خراب شود. صدایم را بلند میکنم. من خفه نمیشوم. از شما ها درس گرفتم. (کف زدن بیشتر جمعیت). متشکرم که به من فرصت میدید که درد دلهایم را بگویم. با اینکه معلم نیستم. اما کنار شماهایی که اینجا هستید هستم".

شعارهایشان و در سخنرانی های پرشورشان شاهد بودیم. تجمع معلمان امروز در شرایطی برگزار شد که خیزش های مردمی در شهرهای مختلف بویژه در شهرهایی از جمله در دزفول، ایذه، ماهشهر، سوسنگرد در خوزستان و در شیراز و اصفهان و قم در همین هفته شاهد بودیم و فراخوان های اعتراضی علیه سونامی گرانی و تبدیل صف های خرید مواد غذایی به صحنه اعتراض گسترش می یابد. و این جامعه ایست که امروز با جنبش های اعتراضی سازمانیافته، با خواسته های متعین و در پیوند مبارزاتی بخش های مختلف و شکل گیری همبستگی های اجتماعی دارد با شتاب به

معلمان در بند تک به تک خوانده شد و جمعیت برای معلمان زندانی کف زد و صحنه درخشانی از همبستگی را آفرید. تجمعات سراسری امروز معلمان در اعتراض به دستگیری ها و پیگیری مطالبات اعلام شده شان بود و معلمان در این روز عزم و اتحاد و قدرت مبارزاتی خود را در مقابله با سرکوبگری های حکومت به نمایش گذاشتند و با فریاد معلم زندانی آزاد باید گردد، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی را یک گام بزرگ به جلو بردند و به کل جامعه راه نشان دادند. اعتراض معلمان در عین حال به فقر، به گرانی و امروز به سونامی گرانی، به تبعیض و نابرابری و

پرداخت کنم و عزت و حرمت هم بیشتر از بیرون از زندان است (کف زدن جمعیت). بنابراین معلم داد بزند من هم همراهش هستم. کامیوندار داد بزند منم می آیم. دامدار فریاد بزند من هم می آیم (کف زدن جمعیت). میکروفون خراب شود. صدایم را بلند میکنم. من خفه نمیشوم. از شما ها درس گرفتم. (کف زدن بیشتر جمعیت). متشکرم که به من فرصت میدید که درد دلهایم را بگویم. با اینکه معلم نیستم. اما کنار شماهایی که اینجا هستید هستم". جمهوری اسلامی تصور میکند که با دستگیری

روز ۲۲ اردیبهشت یکی از دیگر روزهای درخشان اعتراضات سراسری معلمان بود. در این روز بنا بر فراخوانی از قبل داده شده حداقل در سی و پنج شهر معلمان تجمع کردند و با شعار معلم زندانی آزاد باید گردد اعتراض خود را به سرکوبگری های حکومت فریاد زدند. در این تجمعات معلمان با شعارهایی چون روسیه را رها کن، فکری بحال ما کن، ننگ ما، ننگ ما دولت الدنگ ما، کل حاکمیت و سیاستهای جنایتکارانه اش را در ایران و در منطقه به چالش کشیدند. تجمعات پر شور و بزرگ معلمان در این روز در شهرهایی چون سنج، مریوان، سقز، اراک، قزوین، اهواز، کرمانشاه و شیراز و جدالی که بر سر برگزاری شکوهمند این تجمعات در سطح سراسری با حکومت صورت گرفت، بیش از پیش معلمان در پیگیری خواسته هایشان بود. یک صحنه با شکوه و تاریخی در تجمعات اعتراضی این روز سخنرانی مادر یک دانش آموز در شیراز بود که بیش از پیش جایگاه مبارزات معلمان را به لحاظ اجتماعی بیان میکرد و نشانگر فضای اعتراضی امروز جامعه بود. او میگوید: "به دوستان خودم، از هم طبقه ای های خودم، مادران و پدران و آنهایی که به من میگویند نرو کنار معلمان، میگویند بچه هایت را میزنند، میگویند یک لقمه نان داری، میگم این لقمه نان فردا میشود نصف و پس فردا صفر و ما همچنان داریم میدویم. اگر زندان کنند و مرا ببرند در زندان سرپناه دارم و نان دارم. هزینه ای هم نمیخواهد



## گرانی نان! علت سیاسی است و راه حل هم سیاسی است!

محسن ابراهیمی

آن اکثریت عظیمی که علیرغم توحش حکومت اسلامی در ۹۶ و ۹۸ فریاد زدند "حکومت اسلامی نابود باید گردد" بی تردید جمهوری اسلامی را نابود خواهند کرد. هزاران کارگری که مدام در اعتصاب هستند؛ معلمان و بازنشستگان به پاخاسته؛ میلیونها بیکاری که خلاقیت و آینده شان را مشتی غارتگر مفتخور نابود کرده اند؛ میلیونها جوانی که زندگی و جوانیشان مدام لگدمال میشود؛ مادران و خانواده های دادخواهی که برای محاکمه قاتلان عزیزانشان خستگی ناپذیر مبارزه میکنند؛ زنان و دخترانی که به همه جلوه های هستی انسانیشان مشتی مرتجع نبش قبر شده از ۱۴۰۰ سال پیش یورش برده اند؛ دانشجویانی که برای نجات دانش انسانی و آینده خود جز مصاف با مرتجعینی که روی گردنشان دو متر عمامه و مقداری پهن به نام مغز سرگردان است راهی ندارند؛ گرسنگانی که حتی نانیشان را آیت الله های سوپرسرمایه دار و آقازاده های مفتخورشان غارت کرده اند و بالاخره همه این اکثریت غول آسایی که راه نجاتشان در نابودی جمهوری اسلامی است، حتما، بی تردید، و یقینا این حکومت را با انقلابی بنیان کرن به گور خواهند سپرد. انقلابی که بی تردید مسیر قرن بیست و یک را دگرگون خواهد کرد. \*\*\*

### ادامه از صفحه ۴

کند. حکومت اسلامی برای ادامه ترور و سرکوب در داخل به محور مقاومت تروریستی در منطقه نیاز دارد.

بی دلیل نیست که بعد از ماهها مذاکره، تا پوتین به اوکراین تجاوز میکند و اولیانوف سوت میکند و مذاکره را به صدا در می آورد، سران حکومت اسلامی به آمریکا فحش میدهند و گله دیپلمات - تروریستهای جمهوری اسلامی در وین دست از پا درازتر محل مذاکره را ترک میکنند. جمهوری اسلامی برای بقایش به پوتین نیاز دارد نه به مراوده اقتصادی با جهان. حکومت اسلامی اتحاد راهبردی با شرق - یعنی روسیه و چین - را برای بقایش لازم میداند

حتی اگر معیشت

میلیونها انسان هم نابود شود.

### جنگی برای بقا در جریان است! راه نجات سرنگونی است!

از هر دو طرف، هم از طرف حکومت و هم از طرف مردم جنگی برای بقا در جریان است. حکومت اسلامی برای بقای سیاسی خود و مردم برای بقای فیزیکی و اقتصادی و اجتماعی خود. برای رهایی از حکومتی که حتی بقای فیزیکی آنها را به خطر انداخته است.

در این مصاف برای بقا و رهایی، حکومت به دروغ، بازداشت، پرونده سازی، گروگانگیری، سرکوب و کشتار متوسل میشود. در مقابل اقشار مختلف مردم به اشکال مختلف به اعتراض بر می خیزند. روزی نیست که اعتصابات کارگری، تجمعات اعتراضی معلمان

و بازنشستگان در مقابل نهادهای حکومتی، تحصن و تجمع کشاورزان، اعتراض دادخواهان و دانشجویان، عصیان محرومین و گرسنگان فضای کشور را فرانگرفته باشد. اعتراضاتی که هر روز نسبت به قبل گسترده تر و متحذتر خواستههای عمیقتر و شعارهایش رادیکالتر میشود و زمانهایی مثل دی ۹۶ آبان ۹۸ در قالب یک خیزش وسیع، یک خیزش و مصاف رو در رو با سرکوبگران حکومت در سطح کشور ابراز وجود میکند. ابراز وجود اعتراضی و سیاسی کارگران و اقشار معترض دیگر در روز جهانی کارگران در مقابل توحش سرکوبگران حکومت اخیرترین نمونه جنگ مردم برای رهایی است. کارگران و میلیونها مردم ستمدیده و محروم خوب

واقفند که ریشه وضعیت غیر قابل تحملشان سیاسی است. علت وضع تحمل ناپذیرشان وجود حکومت اسلامی است و تنها راه نجاتشان هم رهایی از جنگال این حکومت است. آن اکثریت عظیمی که علیرغم توحش حکومت اسلامی در ۹۶ و ۹۸ فریاد زدند "حکومت اسلامی نابود باید گردد" بی تردید جمهوری اسلامی را نابود خواهند کرد. هزاران کارگری که مدام در اعتصاب هستند؛ معلمان و بازنشستگان به پاخاسته؛ میلیونها بیکاری که خلاقیت و آینده شان را مشتی غارتگر مفتخور نابود کرده اند؛ میلیونها جوانی که زندگی و جوانیشان مدام لگدمال میشود؛ مادران و خانواده های دادخواهی که برای محاکمه قاتلان عزیزانشان خستگی ناپذیر مبارزه

میکند؛ زنان و دخترانی که به همه جلوه های هستی انسانیشان مشتی مرتجع نبش قبر شده از ۱۴۰۰ سال پیش یورش برده اند؛ دانشجویانی که برای نجات دانش انسانی و آینده خود جز مصاف با مرتجعینی که روی گردنشان دو متر عمامه و مقداری پهن به نام مغز سرگردان است راهی ندارند؛ گرسنگانی که حتی نانیشان را آیت الله های سوپرسرمایه دار و آقازاده های مفتخورشان غارت کرده اند و بالاخره همه این اکثریت غول آسایی که راه نجاتشان در نابودی جمهوری اسلامی است، حتما، بی تردید، و یقینا این حکومت را با انقلابی بنیان کرن به گور خواهند سپرد. انقلابی که بی تردید مسیر قرن بیست و یک را دگرگون خواهد کرد. \*\*\*

**به انقلاب زنانه پیوندید!**

این ضرورت امروز ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی است

**مبارزه متشکل و سازمان یافته**



پیامگیر تلگرام برای درخواست عضویت و فعالیت در انقلاب زنانه @sjktamas



سرمدیر: نسان نودینیان  
ادیتور: کاظم نیکخواه

**انترناسیونال**

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

internasional@yahoo.com  
انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.  
فیسبوک: حزب: @niran  
www.facebook.com/niran  
اینستاگرام: @niran91  
www.instagram.com/niran91  
تلگرام: @niran\_ikki  
www.telegram.me/niran\_ikki  
وبسایت: www.niran.org



## همبستگی! نقطه قدرت ما

سیاوش مدرسی

شوراها و اعتراض توده ای و سراسری متکی است و هدایت میشود و پیش میرود!

قطع اینترنت عملاً خبر رسانی را بطور کامل قطع نمیکند! چنگ و دندان نشان دادن بی‌ثمر است بلکه هرچه بیشتر موج اعتراضی را رادیکالتر و صفوف در هم ریخته‌شان را بیشتر از هم می‌گسلد و بجان هم می‌اندازد.

نقطه قدرت ما اتحاد ماست همان چیزی که دولت جمهوری اسلامی با یخون کشیدن آن قدرت گرفت و ماند. نقطه قدرت ما همین اظهار وحشت خامنه‌ای و کل نظامش از همبستگی، همکاری و در یک مسیر قرار دادن جنبش‌هاست! نقطه قدرت ما هماهنگی، برنامه ریزی و پیشروی و کسب قدرت سیاسی بوسیله شوراها مردمی است.

علیه جنایت و اعدام و زندان و اعتراف‌گیری و چپاول قدر راست کرده‌اند. دیگر حتی امیدی به بقا در تکه‌پاره های مسلح و امنیتی حاکمیت وجود ندارد، این مسیریست که نظام جمهوری اسلامی در آن پیش میرود.

امروز خودی‌ترین خودی‌هایشان هم باروبندیل را می‌بندند و سرمایه‌ها را از مملکت خارج میکنند و مقدمات فرار را آماده میکنند.

در مقابل جامعه کارگری، جامعه معلمان، مزدبگیران، زنان و جوانان، بازنشستگان و مال‌باختگان همه و همه سازمان یافته‌تر در شبکه‌های اعتراضی و شوراها متحد میشوند، همکاری میکنند و شرایط عبور و بخاک سپردن نظام سیاه الهی را تدارک می‌بینند.

تشبث به سرکوب مذبحخانه است! دستگیری فعالین، بی‌نتیجه است به این دلیل ساده که جنبش به شبکه‌های اجتماعی و

سازمان یافته در نبرداند و با سازمان‌یابی بازهم بیشتر در تلاش جارو کردن این بختک‌ها و مومیایی‌های بجامانده از قرون وسطی هستند. در شرایطی که حتی سران غرقه در شادی و ثروت که گرد قحطی و گرسنگی را بر زندگی میلیون‌ها انسان پاشیده‌اند آینده‌ای برای خود نمی‌بینند و رسماً و علناً از توفان مهیب سخن می‌گویند و بهمدیگر چنگ و دندان نشان میدهند و باروبندیل را جمع میکنند و فرار میکنند.

شیرازه حاکمیت از جنبه‌هایی از هم گسیخته است و خامنه‌ای دیگر حتی افسار مافیاهای درون حکومتی را در دست ندارد و کار بجایی رسیده که خودش و ابواب جمعیش به موضوع جدال مافیاهای سیاسی، نظامی و اقتصادی حاکم تبدیل شده‌اند.

رژیم نامتعارف اسلامی را دیگر به هیچ جنایت و سرکوبی نمیتوان در جامعه سرپا نگاه داشت. مردم

شد! پا پس کشید! و "نعمت!" جنگ خمینی‌ها و خامنه‌ای‌ها خانه خرابش کرد. اما قدر راست کرد، از پا نیفتاد و امروز تمام قد سینه به سینه ماشین چپاول و جنایت اسلامی کل یک جامعه ۸۰ میلیونی را نمایندگی میکند و هست و نیست حاکمیت را نشانه رفته است.

خامنه‌ای بعد از گذشت ۵ روز از اول ماه مه پامنبری‌هایش را جمع میکند تا به آنها یاد آوری کند که این بار هم جان سالم بدر بردند، اما بازهم روز اول ماه مه امسال آئینه تمام نمای نگرانی عمیق او و دولت تبهکارش بود، روز اتحاد معلم و کارگر و بازنشسته.

امروز در شرایطی "تحركات کارگری به تابلو و نشانه اعتراضات مردمی" تبدیل میشود که جنبش سراسری و سازمان یافته معلمان، جنبش سازمان یافته کارگری، زنان، طرفداران محیط زیست، بازنشستگان و بیکاران

روز دوشنبه سیدعلی خامنه‌ای تحت تدابیر شدید امنیتی عده‌ای از پامنبری‌هایش را بنام کارگر جمع کرد تا از نگرانی‌هایش بگوید! تهدید کند و در اوج استیصال خطر اصلی را گوشزد کند. صفحه اینترنتی خامنه‌ای گزارش میکند که او "با اشاره به تحریکات کارگری که از ابتدای پیروزی انقلاب وجود داشته است، خاطر نشان کرده که: هدف از این تحریکات، تبدیل جامعه کارگری به تابلو و نشانه اعتراضات مردمی بود".

خامنه‌ای حق دارد او به کشمکش و مبارزه‌ای اشاره میکند که انقلاب بهمین بر آن پایه شکل گرفت، تحریکات کارگری که جامعه کارگری را به تابلو و نشانه اعتراضات مردمی علیه رژیم دیکتاتوری شاه تبدیل کرد و تنها در حمام خونی که از خرداد شصت به این سو بوسیله لمانهای حزب‌اللهی تا امروز برپا شده و ادامه پیدا کرده، به عقب رانده



زورنال

کرد. نهایتاً با اجازه خوانندگان، جایزه یاره گویی این هفته به این حضرت عالی تعلق می‌گیرد. باشد که قبول افتد.

و در صورت امکان انبارهای کالاهای اساسی را به اختیار خود در آورند. با توزیع عادلانه مایحتاج عمومی توسط این شوراها و کمیته‌ها می‌توان در مقابل این حربه رژیم در به استیصال کشاندن جامعه ایستاد و هوشیارانه مقابله

اکنون که بار دیگر اعتراضات مردمی در مقابله با گرانی در ایران سریند، نباید به این اوباشان اجازه احتکار و انبار کالاهای اساسی را داد. با اوج‌گیری اعتراضات، جا دارد که مردم در شوراها محلات خود گرد هم آمده

## احتکار و گرانی. مقصر کیست؟

سینا پدرام

درصدی‌های میلیاردی بزرگترین گروه محترکین کالاهای اساسی در ایران را تشکیل میدهند. کالاهای با قیمت پایین می‌خرند، انبار می‌کنند و در فرصتی مناسب با قیمت‌های سرسام آور به بازار عرضه می‌کنند. حربه‌ای کلاسیک که سالها و دهه‌هاست که در ایران سودهای هنگفتی را نصیب همین آقایان کرده است.

شهروندانی که حتی قدرت کافی برای خرید همان کالاهای عرضه شده در بازار را ندارند، به خوبی عامل گرانی و کمبود کالاها در ایران را میشناسند.

مردم با خرید بی‌رویه موجب کمبود کالاهای اساسی شده‌اند. عبدالحمید سرتیپی رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان آذربایجان غربی در مصاحبه با ایلنا افزود که شهروندان "خریده‌های بیش از حد نیاز" انجام میدهند.

وقاحت غریبی در این اظهارات است که هر خواننده را مجبور به واکنش میکنند.

حکومتی‌ها و یک





## پوزه جمهوری اسلامی را باید به خاک مالید

کاظم نیکخواه

و جنایات حکومت اسلامی جلب شده است. و این بسیار مثبت و مهم است. بنفع تک تک مردم دنیاست که جمهوری اسلامی مزوی و سرنگون شود. این را همه میدانند. اما از نظر خط و جهت سیاسی شفافیت و روشنی و رادیکالیسم چندان مشاهده نمیشود. دولتها در پی سازش و معامله اند و باید مردم را مقابل آنها به حرکت در آورد و زیر فشارشان قرار داد تا متوجه شوند. حکومت اسلامی، گروگانگیری و باج گیری، و حکومت جنایت و اعدام جایش در جامعه بشری نیست و باید از صحنه جهان جارو شود. هر یک روز که در این جهت گام برداشته شود به قیمت جان انسانهایی تمام خواهد شد.

این نیروی خبیث در جامعه انسانی آنهم در قرن بیست و یکم نیست. تمام نهادهای بین المللی ورزشی، هنری، ادبی، و دیپلماتیک باید نمایندگان این حکومت را بیرون بیاورند. سفارتخانه هایش باید بسته شوند. کاربدستانش باید هرجا که بایشان را از کشور بیرون گذاشتند عین حمید نوری دستگیر و به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. دولتها به راحتی پای بایکوت و تعرض سیاسی و دیپلماتیک به این حکومت نمی آیند. باید زیر فشار قرار بگیرند. باید صدای مردم معترض را همه جا بشنوند. وقت آنست که ما مردم فعالانه دنیا را به شورش و اعتراض و مقابله با حکومت کثیف اسلامی فرا بخوانیم. توجه جهان بیش از هر زمان به خبثت

میتوان و باید به شکستی کامل کشاند و کاری کرد که جمهوری اسلامی در سطح بین المللی منزوی و بایکوت شود. حکومت آپارتاید آفریقایی جنوبی یک صدم رژیم اسلامی جنایت نکرده بود و به حق نفرت جهانیان را برانگیخت و به حق به انزوا و بایکوت کامل محکوم شد و به زیاله دان پرتاب گردید. حکومت جنایت اسلامی، اعدامهای دسته جمعی، دادگاههای دو دقیقه ای، حکومت سنگسار، و به رگبار بستن جوانان در نيزار ماهشهر، سرنگون کننده هواپیمای مسافربری با موشک، کشتارگر ۱۵۰۰ نفر در اعتراضات آبان ۹۸ و هزاران جنایت فجیع دیگر، باید صد بار بیشتر از هر حکومت دیگری منزوی و طرد و بایکوت شود. جای

زیر فشاری خرد کننده قرار داد. و این ربطی به دولت سوئد و دولتهای دیگر نداشت. بلکه قوانین سوئد و دیگر کشورها اجازه داد که از جانب افراد و شخصیتهای مردمی دادگاههایی مستقل علیه جانین و قاتلین مردم برپا شود. جمهوری اسلامی به روال معمول وقاحت را هم به اوج خود رسانده و از اینکه حقوق انسانی حمید نوری زیر پا گذاشته شده و تلفنش را به او نداده اند و سوالات زیادی از او کرده اند و امثال اینها تلاش دارد روزنه های حقوقی ای بنفع شکنجه گرش پیدا کند. با اعلام حکم اعدام قریب الوقوع احمدرضا جلالی این بار حکومت اسلامی به سیم آخر زده است و تلاش دارد با قلدری بیبش از حد در سطح بین المللی، قاتلین خود را نجات دهد. این تلاش و تقلا را

سخنگوی قوه قضائیه حکومت کثیف اسلامی این هفته اعلام کرد که حکم اعدام احمد رضا جلالی قطعی است و برای اجرا در دستور قرار دارد. از طرف دیگر مقامات ریز و درشت حکومت اسلامی، این روزها راه فرار به جلو را در پیش گرفته اند و دولت سوئد را مرتب به باد حمله گرفته اند که گویا با اهداف سیاسی محاکمه حمید نوری را به جریان انداخته و این دادگاه و جاهد قانونی ندارد و امثال اینها! این تلاشها و تقلاهای حکومت پاسخی است به ماهها افشاگری در دادگاه حمید نوری علیه جنایات فجیع این حکومت در دهه شصت که دنیا را متوجه دیو خبیث اسلامی حاکم در ایران کرد. بعلاوه قبل از آن شاهد دادگاه مردمی آبان در لندن و تریبونال بین المللی بودیم که حاکمین اسلامی را



### شعار مرگ بر رئیسی و کلیت نظام در خوزستان

شهروندان خوزستانی در پی انتشار فراخوانی مبنی بر تجمع و اعتراض به افزایش قیمت نان از شامگاه پنجشنبه، ۱۵ اردیبهشت آغاز شده و در روزهای بعد ادامه داشته است.

کیوان جاوید در خصوص اعتراضات شبانه در خوزستان، یکی از ویدیوها منتشر شده در مدیای اجتماعی جمعیتی را نشان می دهد که شعار "مرگ بر رئیسی" سر می دهند، برخی دیگر از این ویدیوها نیز حاوی شعارهایی علیه خامنه ای، و کلیت جمهوری اسلامی است.

دیگر برای ضربه زدن نهایی به حکومت لازم است: متحد شدن همه بخش های مبارزاتی جامعه علیه کلیت حکومت فقر و فلاکت، و تلاش هماهنگ برای واژگون کردن رژیم نکبت بار اسلامی.

خوزستان بپاخاسته است، معلمین و بازنشستگان در پیشا پیش صف مبارزه قرار دارند و زندانیان سیاسی با فریاد بلندشان از پشت میله های زندان، لرزه به اندام حکومت انداخته اند.

خامنه ای انتخاب کردند تا به خیال خود متحد و یکدست علیه مردم عمل کنند. دیدیم که فقط بعد از چند ماه به قدرت رسیدن رئیسی، شکاف بین سران حکومت عمیق تر شده و علیه همدیگر خط و نشان می کشند.

جمهوری اسلامی با سونامی گرانی اش و با فلاکت اقتصادی و تحجر اسلامی اش، تنها طوفان درو می کند. جامعه یکچارچه علیه کلیت این حکومت است. هر چه جامعه متحد تر می شود، صفوف حکومت بیشتر از هم گسیختن می گردد. دولت، مجلس و قوه قضایه را از یاران سرسپرده

همه شواهد نشان می دهد که این اعتراضات به دلیل سونامی گرانی در ایران صورت می گیرد. بر اساس گزارش ها، بازداشت

فقط یک حرکت عمقی

انترناسیونال

## راه کدام است، شورش های خیابانی یا اعتراضات اجتماعی؟

### حمید تقوایی

### ادامه از صفحه ۳

اجتماعی چطور میتواند ارتباط پیدا بکند با آن جنبشهایی که به یک درجه قوام یافته و سازمانیافته است. اینها چطور میتوانند با هم پیوند برقرار کنند؟

**حمید تقوایی:** همانطور که اشاره کردید بالاخره انفجارهای اجتماعی اسمش با خودش است، یک انفجار است، و وقتی درگرفت روند خودش را پیدا میکند. معمولا حکومتها به بهانه اینکه مردم خشونت میکنند و نظم را بهم میریزند شروع میکنند به سرکوب و جمهوری اسلامی هم در این امر یه طولائی دارد. حتی به قصد کشت بمردم شلیک میکند.

گرچه نمیتوان یک انفجار یا فوران اجتماعی را سازماندهی و رهبری کرد ولی میتوان بر متن جامعه ای که این اتفاق افتاده است، این حرکتها و انفجارها را تبدیل بکنیم به نقطه شروع حرکتهای مستمر سازمانیافته علیه حکومت و علیه شرایط موجود. هر انفجار اجتماعی میتواند با تظاهراتها، تجمعات و اعتصابات سراسری بخشهای مختلف جامعه دنبال و پیگیری بشود. سازمانیافتگی و برخورداری از رهبری و خصلت سراسری جنبشهای اعتراضی جاری این امکان را فراهم کرده است که این جنبشها در کنار هم قرار بگیرند و متحدانه به میدان بیایند.

نکته بعدی این است که اشکال اعتراضی فقط به چارچوب متعارف

تظاهرات، اعتصاب و تجمع محدود نمیشود. ما در تجربه خشکسالی در اصفهان، در اعتراض به خشکی زاینده رود، دیدیم که یک شکل دیگری مردم اعتراض کردند که شکل پیشرفته تری از شورش بود. مردم برای یک ماه در واقع بست نشستند، تحصن کردند یا به اصطلاح امروز اشغال کردند. جنبش اشغال در اصفهان سر بلند کرد و به همین خاطر در قیاس با اشغال میدان التحریر در انقلاب مصر به التحریر اصفهان معروف شد. در این تحصن یکماهه آژیتاتورها سخنرانی کردند، مردم به خودشان شکل دادند، غذا به همدیگر رساندند، چادر زدند، و غیره. حکومت بالاخره چادرها را به آتش کشید و به حرکت مردم پایان داد ولی تصور کنید یک چنین اعتراضی تکرار بشود و بعد مثلا کارگران نفت، کارگران فولاد اهواز، کارگران هفت تپه در حمایت از کشاورزان و مردم اصفهان با خواستههای معینی مثلا دفاع از حقابه کشاورزان، محاکمه دزدان آب و غارتگران و آبخواران، و اینکه زاینده رود باید زنده بشود اعتصاب بکنند. روشن است که در این صورت حکومت ضربه کاری ای میخورد.

این امر کاملا ممکن است که وقتی شورشهایی شکل گرفت، وقتی فورانهای اعتراضی شکل گرفت اجازه ندهیم که در همان شکل فوران باقی بماند بلکه جنبشهای اعتراضی دیگر سازمانیافته و دست در دست هم در حمایت از آن انفجارهای اجتماعی و خواستههای مردم و در محکومیت

حکومت در اشکال اعتراضی فراتر، ادامه کارتر، غیر قابل سرکوب تر، از فوران اعتراضی مثل تظاهرات، تجمعات، تحصن و اعتصاب در یک سطح عمومی و وسیع بمیدان بیایند.

به این ترتیب گرچه انفجارها و شورش های شهری از پیش قابل سازماندهی نیست ولی باید به استقبال آن رفت به این معنا که در اشکال اعتراضی دیگر ادامه اش داد. اولاً اجازه نداد حکومت به سرکوب دست بزند. اگر جامعه به این شکل متشکل بیاید پشت شورشهای شهری سرکوب آن آسان نیست و حکومت بابت هر نوع تعرض به مردم بهای سنگینی خواهد پرداخت. ثانیاً اگر هم حکومت سرکوب کرد در دادخواهی معترضین و در اعتراض به حکومت میشود جنبش را گسترده تر کرد و تجمعات و اعتراضات وسیع تری را سازمان داد. الان بنظرم مشخصاً جنبش معلمان، جنبش بازنشستگان، جنبش کارگری، و جنبش دادخواهی کاملاً این امکان را دارند که از نظر تشکیلی که به خودشان داده اند، تعیینی که به خودشان داده اند و از نظر آمادگی برای مبارزه، به این حرکت شکل بدهند و ما اینبار شاهد فقط یک خیزشی که بعد از چند هفته یا ماه فرو می نشیند، نباشیم بلکه این شروع یک حرکتی باشد که بتواند کل حکومت را بیزیر بکشد.

**حسن صالحی:** شما مثالی زدید از مبارزات کشاورزان اصفهان که خودش یک الگویی بود و یک سرمشقی بود که

میتواند در مبارزات مردم قابل استفاده باشد و بکار گرفته بشود. ولی مشخصاً در مورد گرانی ها همین الان باید چکار کرد؟ بخشهای مختلف جامعه، آن بخشهایی که میگوئید سازمان یافته تر هستند، نظیر کارگران، معلمان یا بخشهای دیگر جامعه، در مقابله با سونامی گرانی چه باید بکنند؟

**حمید تقوایی:** تا جایی که به خواست و مضمون اعتراض علیه گرانی مربوط میشود ما اعلام کرده ایم هزینه تورم و گرانی را باید خود مفتخواران حاکم بپردازند یعنی با پرداخت سوبسید اجازه ندهند که کالا های اساسی و مواد غذایی گرانتر بشود و قیمتها به حد قابل قبولی برسد بنحوی که توده مردم بتوانند معیشتشان را تامین کنند. این یک خواست محوری است. این خواست میتواند به لیست خواستههای جنبش ها و مبارزاتی که فی الحال فعال هستند مثل معلمان و بازنشستگان اضافه بشود و به این ترتیب آن بخش متشکل جامعه که الان دارد اعتراض میکند و خواستههای معیشتی زیادی هم مطرح کرده است مثل حداقل دستمزدها تا ۱۶ میلیون تومان، مثل بیمه های اجتماعی، بیمه بیکاری، تامین معیشت، علیه قراردادهای موقت و غیره، علیه گرانی هم خواست فراگیری را اعلام و مطرح کند.

خواست تامین معیشت خواست پایه ای این جنبشها است ولی الان یک مساله معین یعنی گرانی و تورم حاد و برجسته شده است که بسیار از معلم و کارگر و بازنشسته فراتر میروند و اکثریت عظیم

مردم را در بر میگیرد. این خیل عظیم نیروی توده ای این حرکت هستند ولی پرچمدار این اعتراض میتوانند جنبش های متشکل و فعال جاری باشند. این شکل مشخصی است که بنظرم میتواند به اعتراض جامعه علیه گرانی شکلی سازمانیافته و ادامه کار بدهد.

**حسن صالحی:** شما در صحبت هایتان به اعتصابات اشاره کردید. ما دیده ایم که مثلاً در کشورهای آمریکای لاتین وقتی دولت اجناسی را گران کرده مردم موفق شده اند با اعتراضات گسترده و وسیعی دولت را عقب بنشانند. در این زمینه مثلاً دست زدن به اعتصاب و یا اعتصابات تهدید آمیز و هشدار چقدر امکانپذیر است؟

**حمید تقوایی:** بنظرم کاملاً امکانپذیر است و نمونه هایش را هم داریم، می بینیم. چند روز قبل رانندگان کامیون خواستار آزادی معلمان دستگیر شده در روزاول مه شدند. التیماتوم داده اند که اگر اینها آزاد نشوند دست به اعتصاب خواهند زد. یا برای روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت معلمان فراخوان تجمعات سراسری داده اند و تشکلهای کارگری از آن حمایت کرده اند و اعلام کرده اند به این حرکت می پیوندند. بنظر من این نمونه ها میتواند گسترده تر بشود و تبدیل بشود به یک سنت مبارزاتی بین همه بخشها و منظور من هماهنگی و بهم پیوستگی عملی و میدانی این جنبش ها است.

## راه کدام است، شورش های خیابانی یا اعتراضات اجتماعی؟

حمید تقوایی



ادامه از صفحه ۱۰

ببینید الان بازنشستگان یکشنبه های اعتراضی اعلام کرده اند. بخشهای دیگر کارگری میتوانند به این بپیوندند. بحث بر سر این نیست که فوراً دست به اعتصاب بزنند بلکه اعتراض با تجمعات و تظاهرات میتواند شروع بشود و بتدریج به اعتصابات منجر بشود. کارگران نفت تجربه خیلی ارزشمندی در سازماندهی اعتصابات سراسری دارند که میتواند الگوی کارگران بخشهای دیگر قرار بگیرد.

به این هم اشاره کنم که بخش خدمات مثل رانندگان کامیون، رانندگان مترو و اتوبوس ها، کارگران شهرداری، کارگران آب و برق و غیره موقعیت ویژه ای دارند. اگر اینها دست به اعتصاب بزنند کل جامعه فلج میشود و جمهوری اسلامی با بحرانی روبرو میشود که یا مجبور است به خواستهای مردم تسلیم بشود و یا گورش را کم کند.

لازمست به جنبش دادخواهی هم اشاره کنم چون این جنبش هم به خودش شکل داده و متشکل است. انجمن خانواده های قربانیان شلیک به هواپیما، مادران آبان، و مادران خاوران اینها همه متشکل هستند، چهره های محبوب و رزمنده ای دارند و فعال هستند.

کلید بنظر من اتحاد عملی همه این جنبشها است. امروز مشخصا این جنبشها میتوانند در اعتراض به مساله تورم لجام گسیخته و سونامی گرانی دست به عمل

متحد بزنند. منظور من از عمل متحد تجمعات است، اعتصاب است، یا حرکتی مثل تحصن اصفهان است یا کنترل محلات مثل ۹۸ هست. هر شکلی هست فراخوانش باید از طرف فعالین دست اندرکار جنبشهای اعتراضی جاری داده بشود. امروز لیست نسبتاً طولانی ای از سازمانهای کارگری، کمیته ها و نهادهای کارگری و چهره های کارگری وجود دارد، لیستی از جنبش دادخواهی و انجمن ها و کمیته ها و فعالین اش وجود دارد، از جنبش معلمان و جنبش بازنشستگان و جنبش زنان و جنبش دانشجویی که دوباره وارد میدان شده است هم همینطور. اینها همه متعین هستند، فعالین این جنبشها همه میتوانند در مدیای اجتماعی دور هم جمع بشوند، الان در کلاب هاوسها بحث میکنند، در تلگرام و مدیای اجتماعی هستند، میتوانند به این شیوه به خودشان سازمان بدهند، کارهای خودشان را هماهنگ کنند و متحدانه دست به عمل بزنند. این ممکن است این عملی است و فعالیت حزب ما در این جهت است که این امر متحقق بشود.

**حسن صالحی:** شما از عمل متحد صحبت میکنید و خیلی تاکید دارید اما این جنبشها هر کدام مطالبات خاص خودشان را دارند. معنای سیاسی و مضمون این اتحاد چیست؟

**حمید تقوایی:** بله این جنبشها همه خواستهای مشخص خودشان را دارند. البته خواستهای مشترک هم کم ندارند،

خواست همه است چون همه جنبشها خواهان آزادی فعالینشان هستند.

خواست محوری علیه گرانی و دیگر خواستهای مشترک را میتوان به لیستی از خواستهای ویژه هر بخش افزود و به این ترتیب لیست جامع و مشترکی برای متحد کردن همه جنبشها داشت. لیستی که خواست معلم، خواست جنبش زنان، خواست بازنشسته، خواست پرستار، خواست جنبش دادخواهی و غیره را شامل بشود. این کاملاً ممکن است. مادر قطعنامه اول ماه مه که هشت تشکل کارگری و دو تشکل صنفی معلمان و یک تشکل زنان آنرا امضا کرده بودند دیدیم که مجموعه ای از خواستهای همه جنبشها، از لغو حجاب اجباری تا خواستهای معیشتی و حداقل دستمزد ۱۶ میلیون تا جلوگیری از تخریب محیط زیست تا آموزش رایگان و مساله حقوق شهروندی همچون سگرایان و رنگین کماتی ها و غیره را در بر

مثل افزایش دستمزدها و حقوقها. میشود گفت تامین معیشت هم خواست بازنشستگان است، هم معلمان است و هم کارگران. در عین حال بخشها معترض جامعه خواستهای ویژه خود را هم دارند. مشخصاً جنبش دادخواهی مساله اش معیشتی نیست، جنبش دادخواهی مساله اش است که جلوی جنایتها و اعدامها گرفته شود و سران رژیم محاکمه بشوند یا جنبش دفاع از زندانیان سیاسی، که با قتل بکتاش آبتین در زندانها یک اوج جدیدی گرفت، خواستهای ویژه خود را دارد. بحث من است که همه اینها در لیست خواستهایشان، خواست مشترک تقابل با گرانی را هم بگنجانند. به این معنا که هزینه تورم و گرانی را باید حکومت بپردازد. باید سوبسید بدهند و قیمت کالاها نه تنها نباید افزایش پیدا کند بلکه باید تا حدی کاهش پیدا کند که حتی کم درآمدترین خانواده ها قادر به تامین معیشتشان باشند. خواست آزادی زندانیان سیاسی نیز

میگرفت. اگر ما بتوانیم نه فقط با یک بیانیه و قطعنامه بلکه با یک فراخوان عملی با روز و تاریخ و مکان معین این خواستها را بعنوان پرچم و مضمون اعتراض مشترکان اعلام کنیم به حرکت قدرتمند و موثری شکل داده ایم که دیگر جمهوری اسلامی بسادگی نمیتواند با بگیر و ببند و بازداشت و انداختن اوپاش حزب الهی به جان مردم که در شورشهای شهری انجام میدهد، جلوی این حرکت را بگیرد. من فکر میکنم شرایط برای این امر آماده است. نمونه ها و جرقه هایی از اینرا دیده ایم. باید امر اتحاد میان جنبشهای اعتراضی را مثل یک نقشه عمل، مثل یک استراتژی روی میز گذاشت و این دست اکتیویستها و فعالین و کمیته ها و جمعها و شوراهای رهبری همه اعتراضات جاری را میبوسد که در این جهت قدم بردارند.

۱۱ مه ۲۲  
با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.





## شنبه ۱۴ مه (۲۴ اردیبهشت) روز جهانی نجات احمدرضا جلالی گردهمایی های اعتراضی در ۴ کشور و در ۱۱ شهر

لیست اعتراضاتی که تاکنون برای نجات احمدرضا جلالی در خارج کشور تدارک دیده شده است به قرار زیر است. این لیست بطور مداوم به روز می شود و ما امیدوارم شهرهای زیادی به این کارزار بپیوندند. لازم به توضیح است که احمدرضا جلالی پژوهشگر مدیریت بحران است که از سال ۱۳۹۵ در اسارت جمهوری اسلامی است و می خواهند وی را تا پایان اردیبهشت ماه اعدام کنند.

کاسل
زمان: شنبه ۱۴ مه - ساعت ۱۵
مکان: Kassel-Friedrichsplatz
تلفن تماس: 00491787546843
اشتونگارت
زمان: شنبه ۱۴ مه - ساعت ۱۵:۳۰
مکان: Stuttgart, Marstallstraße Ecke Königstraße / Samstag
تلفن تماس: 004915213302597, 004917620576747
کاتادا
ونکوور
زمان: شنبه ۱۴ مه - ساعت ۱۵
مکان: آرت گالری ونکوور
تلفن تماس: 0016047278689
تورنتو
زمان: شنبه ۱۴ مه - ساعت ۱۲
مکان: در محل نمایشگاه کتاب بدون ساتسور - 7181 خیابان یانگ طبقه هم کف
تلفن تماس: 0014164717138
هلند
دنهایخ (لااهه)
زمان: شنبه ۱۴ مه - ساعت ۱۳
مکان: 4th floor, Johan de Wittlaan 7, 2517 JR Den Haag
مقابل سفارت سوئد و سپس حرکت به سمت سفارت جمهوری اسلامی
تلفن تماس: 0031684016307

سوئد
استکهلم
زمان: شنبه ۱۴ مه - ساعت ۱۵
مکان: Sergels Torg-övre planet
تلفن تماس: 0046737896505
گوتنبرگ
زمان: شنبه ۱۴ مه - ساعت ۱۴
مکان: Drottningtorget دروبروی ایستگاه قطار
تلفن تماس: 0046737178819
مالمو
زمان: شنبه ۱۴ مه - ساعت ۱۴
مکان: Gustav Adofs torg
تلفن تماس: 0046739809339
بورس
زمان: شنبه ۱۴ مه - ساعت ۱۳
مکان: Stora torget
تلفن تماس: 0046737598566
آلمان
فرانکفورت
زمان: شنبه ۱۴ مه - ساعت ۱۵
مکان: مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی
تلفن تماس: 00491634411469
کلن
زمان: شنبه ۱۴ مه - ساعت ۱۷:۳۰
مکان: Domplatte (Blau-Gold-Haus)
تلفن تماس: 00491729732364

## بیانیه ۲۲ تشکل و گروه از کارگران و فعالین اجتماعی در اعتراض به حکم اعدام احمد رضا جلالی و حمید رضا اژدری

بیانیه ۲۲ تشکل و گروه از کارگران و فعالین اجتماعی در اعتراض به حکم اعدام احمد رضا جلالی و حمید رضا اژدری بیست و دو تشکل و گروه از کارگران و فعالین اجتماعی در اعتراض به حکم اعدام احمدرضا جلالی و حمیدرضا اژدری بیانیه ای اعتراضی صادر کرده و مینویسند: " باید وسیعا به احکام اعدام و بویژه حکم اعدام احمدرضا جلالی و حمیدرضا اژدری اعتراض کرد و نگذاشت این دو نفر و هیچ زندانی دیگری اعدام شود." متن کامل بیانیه را در زیر میخوانید:

"چهل و سه سال است که سایه اعدام بر سر جامعه گسترانیده شده است. ده ها هزار انسان

آزادخواه، برابری طلب و ده ها هزار انسان دیگر که قربانی شرایط غیر انسانی گردیده اند، از جمله مجرمان قاچاق مواد مخدر، قتل و غیره در زندانها اعدام شده اند. اعدام یک قتل عمد دولتی است که توسط دستگاههای قضایی حکمش صادر و توسط زندانبانان به اجرا در می آید. اعدام زندانبانان، بخصوص زندانبان سیاسی با اتهامات واهی معاند، محارب، جاسوس و غیره حربه ای برای ایجاد رعب و وحشت و به سکوت کشاندن مردم جامعه در برابر اراده و خواست سرکوبگرانه طبقه حاکم است.

آزادی بیان، تجمع، تشکل و حزب از حقوق بنیادی انسانهاست که

بیش از چهل سال است از مردم گرفته شده است. این حقوق باید بی چون و چرا به مردم برگردانده شود. نباید هیچ انسانی به خاطر این فعالیتها و همچنین با اتهامات دستگاههای قضایی و امنیتی بازداشت، زندانی و اعدام شود.

هم اکنون بسیاری از زندانبانان سیاسی و دو تابعیتی به اتهامات بی اساس زیر حکم اعدام بسر می برند و هر آن ممکن است به چوبه های دار سپرده شوند.

از جمله این افراد، احمدرضا جلالی زندانی دو تابعیتی، فیروز موسی لو، محی الدین ابراهیمی، شاکر بهروز، هادی کیانی، ماجد عموری زندانبان سیاسی هستند و تعداد زیادی

زندانی دیگر همچون برومند نجفی محیط بان و ابوالفضل مجتبی متهمان به قتل و محکوم به قصاص و حمیدرضا اژدری کودک مجرم که به قصاص محکوم شده است، در زندان هستند. دستگاه قضایی اعلام کرده که تا پایان اردیبهشت ۱۴۰۱ حکم اعدام احمدرضا جلالی را به اجرا در خواهد آورد و همچنین احتمال خطر قریب الوقوع قصاص حمیدرضا اژدری می رود. باید وسیعا به احکام اعدام و بویژه حکم اعدام احمدرضا جلالی و حمیدرضا اژدری اعتراض کرد و نگذاشت این دو نفر و هیچ زندانی دیگری اعدام شود."

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه،

سندیکی نقاشان البرز، ندای زنان ایران و گروههای از کارگران در شهرهای سقز و سنندج و کرمانشاه و گروههای دیگر اجتماعی امضا کنندگان این بیانیه هستند.

باید وسیعا به سیاست های جنایتکارانه حکومت اسلامی اعتراض کرد. اعدام همواره یک ابزار سیاسی در دست حکومت برای سرکوب جامعه و عقب زدن مبارزات مردم بوده است و بخشهای مختلف مردم به شیوه های مختلف به این سیاست ضد انسانی اعتراض کرده اند. باید این اعتراضات را گسترش داد. حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱،  
۱۱ مه ۲۰۲۲

### تجمع و اعتراض ۲۲ اردیبهشت معلمان در شهرهای کردستان

#### کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۱۲ مه ۲۰۲۲



مربوان در مقابل آموزش و پرورش بسیار باشکوه بود. در سنندج شرکت کنندگان در تجمع همراه با پخش سرود "مرغ سحر ناله سر کن"، پلاکاردها و بنرهایی با عکس هایی از معلمان زندانی و مطالبات خود در دست داشتند و خواهان "تحصیل رایگان برای کودکان"، "برچیده شدن احکام ظالمانه علیه معلمان"، "تدریس آموزش به زبان مادری به صورت رسمی در مدارس" و "همسان سازی و افزایش حقوق" خود شدند. قرائت هر بند از قطعنامه در تجمعات اعتراضی با کف زدن حاضران همراه بود. در مربوان حضور زنان بسیار برجسته بود و جمعیت بزرگی از معلمان

بنا به فراخوان از قبل اعلام شده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت معلمان در شهرهای کردستان، همگام با معلمان در شهرهای دیگر ایران برای آزادی همکارانشان از زندان و تاکید بر مطالباتشان تجمع اعتراضی برپا کردند. بنا به گزارشات دریافتی، معلمان در شهرهای، سنندج، مربوان، سقز، بیجار، دهگلان، کامیاران، دیواندره، بوکان و سردشت با سردادن شعارهایی مبنی بر آزادی معلمان زندانی و قرائت قطعنامه، بر مطالبات خود پای فشرده حضور چشمگیر معلمان سنندج، سقز و

و بدون قید و شرط آزاد شوند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱،  
۱۲ مه ۲۰۲۲

معلمان و تمامی شرکت کنندگان در تجمعات اعتراضی امروز درود می فرستد و از مبارزه آنان قاطعانه حمایت می کند. معلمان زندانی و همه زندانبانان سیاسی باید فوری

شرکت داشتند. در سقز نیز سر دادن شعار و قرائت قطعنامه شورای هماهنگی مورد استقبال وسیع قرار گرفت. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به

## اخبار نفت

## اعتصاب کارگران پروژه ای در پالایش میعانات گازی آدیش و ستاره فاز ۱۱

از روز سه شنبه ۲۰ اردیبهشت نیروهای مخزن سازی به پیمانکاری جاسم فرامرزی و رمضان کرمی در پالایشگاه میعانات کنگان، با خواست افزایش حقوقها و برای پیگیری دیگر مطالبات خود وارد اعتصاب شده و کار را تعطیل کردند. کارگران به عملی نشدن وعده های پیمانکاران اعتراض دارند. کرمی و فرامرزی پیمانکاران شرکت پیش از این به کارگران وعده افزایش دستمزد به میزان ۳۸ درصد و قبول شرایط کاری بیست روز کار و ده روز استراحت را داده بودند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت ضمن گزارش این خبر به کارگران هشدار داده است که به وعده ها باور نداشته باشند و یک تاکید این شورا همواره بر کتبی بودن و اعلام رسمی آن به کارگران و منظور کردن در قرارداد کاری است. کوتاه شدن دست پیمانکاران یک خواست مهم کارگران پیمانی نفت است.

## اخبار نفت

## اعتصاب کارگران پروژه ای پتروشیمی گچساران و تبریز

روز ۱۸ اردیبهشت کارگران پتروشیمی گچساران شاغل در شرکت پناه صنعت و پیمانکارهای زیر دست آن، با خواست افزایش دستمزدها و در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد اسفند ماه ۱۴۰۰ برای دومین روز دست از کار کشیدند. روز ۱۸ اردیبهشت کارگران شرکتی پتروشیمی تبریز در اعتراض به پایین بودن دستمزدها و قراردادهای برده وار پیمانی مقابل ورودی این پتروشیمی دست به تجمع زدند. مزد این کارگران به ده میلیون تومان هم نمی رسد و در برابر کار برابر، مزدشان اختلاف فاحشی با مزد کارگران رسمی دارد. بعلاوه کارانه آنها فقط ۸۰۰ هزار تومان تعیین شده ولی کارانه برای پرسنل رسمی ۵ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. کارگران پیمانی در شرکت های مختلف نفتی با خواست افزایش دستمزدها متناسب با ارقام درخواستی شان و با تاکید اینکه مزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۶ میلیون باشد و ۲۰ روز کار و ده روز استراحت از دوم اردیبهشت در اعتراضند. زیر فشار اعتراضات کارگران در مراکز پیمانکاران عقب نشسته و وعده هایی داده اند. اما در بخش هایی این اعتراضات ادامه دارد. یک خواست فوری کارگران نفت دائمی شدن قراردادهای و کوتاه شدن دست پیمانکاران چپاولگر است. حزب کمونیست کارگری ایران ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۹ مه ۲۰۲۲

## به مردم ایران در داخل کشور به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک کنید

دو هفته قبل همه مردم آزاده در خارج و داخل کشور را به کمک مالی به حزب و کال جدید فراخواندیم. اینجا مورد خطاب ما مردم شریف در داخل کشور هستند.

شما دوستداران حزب و تلویزیون کانال جدید، شما کارگران و بازنشستگان، معلمان و پرستاران، زنان، جوانان و دانشجویان، هنرمندان و نویسندگان شما مردم شریفی که برای رهایی از حکومت اسلامی در اعتراض هستید، شما که از شر دخالت مذهب در زندگی تان، از فقر و تبعیض و بیحقوقی و از ظلم و ستم هر روزه دزدان و جنایتکاران حاکم به تنگ آمده اید، فرامیخوانیم که حزب کمونیست کارگری را هر چه بیشتر تقویت کنید. این حزب همه شما است. حزب کمونیست کارگری. حزب کارگران و اقشار محروم جامعه علیه فقر و محرومیت و استثمار و نابرابری است. حزب زنان علیه تبعیض و بیحرمتی و حجاب اجباری است. حزب جوانان برای رفاه و شادی و عدالت اجتماعی است. این حزب نماینده شما برای سرنگونی حکومت گنبدیده اسلامی و نماینده تلاش و آرزوهای انسانی شما برای ساختن جامعه ای انسانی و آزاد و مرفه و بدون دخالت مذهب و آخوند در زندگی مردم است. کانال جدید، تلویزیون این حزب نیز صدای همه شما مخالفین حکومت است. کانال جدید صدای رسای اعتراض و اعتصاب هر روزه شما و تقویت کننده اتحاد و پیوستگی شما برای زیر و رو کردن جهنمی است که حکومت و مفتخوران حاکم بر جامعه حاکم کرده اند.

این حزب به کمک مالی شما مردم شریف و معترض نیاز مبرم دارد. تا بتواند فعالیت های خود را در داخل و خارج کشور گسترش دهد و برنامه های کانال جدید را متنوع تر و با قدرت بیشتری در اختیار بینندگان قرار دهد. هر مقدار که میتوانید به حزبتان کمک کنید. قدم جلو بگذارید و از دوستان و آشنایان مورد اعتمادتان بخواهید هر مقدار میتوانند کمک کنند. کمک ها را جمع آوری کنید و برای رساندن آن به حزب با شماره تلفن های زیر یا با دوستان حزبی تان در خارج کشور تماس بگیرید.

تلفن های تماس (واتس اپ، تلگرام، سیگنال):

سیامک بهاری: 0046739868051

بابک یزدی:

0014164717138

شهلا دانشفر: 00447435562462

کیوان جاوید:

00447788988643



## کمپین مالی حزب با موفقیت انجام شد از تک تک شما متشکریم تلاش ما برای جمع آوری کمک ادامه دارد

لیست شماره ۴ کمپین ۱۰۰ هزار دلاری برای تامین مالی حزب و کانال جدید

در پاسخ به فراخوان حزب مبلغ ۱۰۸۷۵۰ دلار آمریکا در چهار هفته گذشته جمع آوری شد. هدف اعلام شده ما جمع آوری ۱۰۰ هزار دلار در عرض یکماه بود که به همت شما عزیزان که به فراخوان ما پاسخ دادید، ۸۷۵۰ دلار نیز بیش از آنچه اعلام کرده بودیم، جمع آوری شد. صمیمانه از تک تک شما که به این فراخوان جواب دادید قدردانی میکنیم.

هنوز دوستان جدیدی در حال کمک هستند و تلاش ما برای جمع آوری کمک ادامه خواهد یافت. هزینه های جاری حزب بسیار بیش از این مبلغ است و برای گسترش فعالیت در داخل و خارج کشور و برای تقویت و بهبود برنامه های تلویزیون کانال جدید که بر روی دو ماهواره برنامه بخش میکند، امکانات مالی بسیار بیشتری مورد نیاز است. از همه دوستان حزب و همه مردم شریف و آزاده، در داخل و خارج کشور، که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جامعه ای خوشبخت، آزاد، برابر و انسانی و بدور از دخالت مذهب در زندگی خود هستند میخواهیم که بهر اندازه توان مالی شان اجازه میدهد، به حزب خود و کانال جدید که تکیه گاه مبارزات آزادیخواهانه مردم است، کمک کنند.

دست همگی شما را صمیمانه میفشاریم.

لیست ۴:

چیا صلواتی ۲۰ یورو  
مهری مهرابادی ۱۰۰۰ کرون  
احسان ارژنگ ۱۵۰ دلار کانادا  
مسعود ارژنگ ۲۰۰ دلار کانادا  
فرانک فرخی ۲۰ یورو  
ناصر آقباشلو ۱۰۰ دلار کانادا  
افشین افشین جم ۱۵۰ دلار کانادا  
هادی وقفی ۲۰۰ دلار کانادا  
هنار ۵۰ دلار کانادا  
مصطفی صابر ۱۰۰۰۰ دلار (جمعا ۲۰ هزار دلار آمریکا)  
غزاله شارمهد ۱۰۰ دلار  
دکتر رادمنش از آلمان ۵۰۰ یورو  
فرخنده بارون از سوئیس ۲۰۰ یورو  
روزبه زندی فر ۱۰۰۰ کرون  
خورشید و کیوان ۵۰۰ کرون  
اکرم امجدی ۵۰۰ کرون  
هادی خسروی ۵۰۰ کرون  
فرزانه محمدپور ۳۰۰ کرون  
سیمین جلالی ۲۰۰ کرون  
رضا م. ۱۰۰ دلار کانادا  
ایران خاکباز ۱۰۰ دلار کانادا  
سعید چوبک ۱۰۰ دلار کانادا  
داریوش عبیدی ۲۰۰ دلار کانادا  
زندقی زیبا ۵۰۰ دلار کانادا  
سیفی بهبوری ۱۰۰ دلار کانادا  
داوود ۲۰ دلار کانادا  
آقای حمیدی ۱۰۰۰ دلار  
شهاب آرام ۱۰۰ دلار  
صباح درزمان ۲۰ یورو  
لادن بازرگان ۲۰۰ دلار  
علی از بروس ۴۰۰ کرون  
رسول از بروس ۴۴۰ کرون  
مصطفی عزیزی ۱۰۰ دلار  
سوسن بهادری ۱۰۰ دلار  
امیر روشن ۱۰۰ دلار کانادا (جمعا ۳۵۰ دلار)

مهدی نبوی ۵۰ یورو  
رضا سالاری ۱۰۰ دلار  
ابوذر صلحجو ۳۰۰۰ کرون  
لیو رازانی ۴۰۰۰ کرون  
جمیل فرزاد ۱۰۰۰ کرون (جمع ۱۵۰۰ کرون)  
دوستدار حزب از آلمان ۱۰۰ یورو  
بگه خیراندیش ۵۰۰ کرون  
ایرج مصداقی ۵۰ دلار  
نسرین نامداریور ۵۰۰ کرون  
آراد علیزاده ۵۰۰ کرون  
دکتر یونس کهوری ۱۰۰۰ کرون  
ماهرخ فیروزه ۵۰۰ کرون  
پریچهر مرادی ۳۰۰ کرون  
سهیلا ابوالحسنی ۲۰۰ کرون  
نگار قنبری ۲۰۰ کرون  
افشین افشاری ۲۰۰ کرون  
نازلی پرویزی ۱۰۰ کرون  
شادی شوشتری ۶۴۰ کرون  
حسین خلاق ۲۰ پوند  
هادی موسوی ۵۰۰ کرون  
شاهو پیرخضران ۱۰۰۰ کرون  
شمی حکیمی ۲۰۰۰ کرون  
خسرو آقباشلو ۱۲۰۰ دلار کانادا  
حسن کیوان ۵۰ یورو  
دوستدار حزب از آلمان ۱۰۰ یورو  
حمید سعادت ۲۰۰۰ کرون  
دوستدار مینا احدی ۲۵۰۰ کرون  
مینا احدی ۱۵۰ یورو  
زری صمدی ۲۵۰ کرون  
حمیدرضا سالاری ۲۰۰ دلار کانادا  
م. سومر از ترکیه ۱۰۰ دلار  
جلیل جلیلی ۱۰۰ پوند (جمعا ۶۰۰ پوند)  
حمید رحیم پور ۱۰۰ یورو (جمعا ۳۰۰ یورو)  
زویا از تورنتو ۱۵۰ دلار کانادا  
مهین کابلی ۵۰ یورو

ایرج ۱۰۰ دلار  
 سعید کریمی ۱۰۰ دلار  
 حسن حسینلو ۳۴۰ یورو  
 نسترن ۲۰۰ دلار کانادا  
 سینا از تورنتو ۲۰۰ دلار کانادا  
 اندیشه علیشاهی ۵۰۰ کرون  
 علی کمالی ۵۰۰ کرون  
 ۴ نفر از دوستان حزب از طریق کشکولی ۳۰۰ یورو  
 فرامرز بورطاهری ۱۰۰ دلار کانادا  
 آلفونسو ۳۴۰ پوند  
 نینا طویانی ۱۰۰ دلار کانادا  
 رامتین ۲۵ دلار  
 میلاد مکانیک ۱۰۰ دلار کانادا  
 مهین کوشا و سیامک مکی ۲۰۰ یورو  
 مهرداد هادی ۱۰۰ دلار کانادا  
 آراد خاتمی ۱۰۰ دلار کانادا  
 سلماز علیزاده ۱۰۰ دلار کانادا  
 سهیل ۴۰۰ دلار  
 سعید آقاملکی ۱۰۰ دلار کانادا  
 مهدی شمس ۵۰ دلار کانادا  
 رضا ربیعی ۵۰ دلار کانادا  
 یوسف اکرمی ۵۰ دلار کانادا  
 صدیق ابوطالبی ۵۰ دلار کانادا

رزاق زهرائی ۵۰ دلار کانادا  
 ولی خدیو ۱۰۰ دلار کانادا  
 حمیدرضا ایوبی ۴۰ یورو  
 هادی خانی و رضا توفیق ۱۰ یورو  
 طه حسینی ۵۰ یورو  
 بابک سالاری ۱۰۰ دلار کانادا  
 از ایران:  
 سیما، ساناز، فتانه، زیبا، ترانه و حجت ۳ میلیون و پانصد هزار تومان  
 مهرداد ۲ میلیون تومان  
 نادر ۵۰۰ هزار تومان  
 احسان صفایی ۲۰۰ دلار کانادا  
 پری ۲۰۰ هزار تومان  
 فرزانه ۱۲ دلار  
 مهران و یاران کارگر ذوب آهن ۱۰۰ هزار تومان  
 دوستدار حزب از کرج ۵۰ دلار کانادا  
 دوستدار حزب از تهران ۵۰ دلار کانادا  
 صالح ۶ میلیون تومان از کردستان  
 آسو ۶ میلیون تومان از کردستان  
 رضا ۱۲ میلیون تومان از کردستان  
 جمع لیست چهار ۲۳۳۰۰ دلار

## برای پرداخت کمک های خود میتوانید از طریق شماره حساب های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات های حزب اقدام نمایید.

سوآلی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج  
 سیامک بهاری: 0046739868051

از آمریکای شمالی:  
 بابک یزدی:  
 0014164717138

تماس از ایران  
 شهلا دانشفر: 00447435562462

کیوان جاوید:  
 00447788988643

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3  
 Bankkontonummer: 9960264 1223793  
 IBAN: SE1095000099602641223793  
 BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli  
 Bankverbindung: Postbank  
 IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23  
 BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England

Bank: NatWest  
 Account holder: WPI  
 Account number: 45477981  
 Sort code: 60-24-23  
 IBAN: GB77NWBK60242345477981  
 BIC: NWBKGB2L